حکایت اهل راز

نام و یاد امام حسین(ع) در آخرین لحظه‌های عمر علامه جعفری

برادرم دکتر غلامرضا جعفری که در آخرین ساعات عمر علامه جعفری(ره) نزد ایشان در بیمارستان بود، نقل می‌کند: «علامه که دچار سکته مغزی شده بود و قدرت تکلم نداشتند، در آخرین لحظه‌های عمرشان با ایما و اشاره از من می‌خواستند که چیزی را برایشان بیاورم ولی من هر چه تلاش می‌کردم نمی‌فهمیدم که ایشان چه خواسته‌ای دارند. یک پارچه سبزی بود که یکی از دوستان علامه چند ماه قبل، از کربلا آورده بود که به ضریح مطهر امام حسین(ع) متبرک شده بود. من متوجه شدم که علامه آن پارچه را می‌خواهند. به سرعت از بیمارستان خارج شدم تا آن پارچه سبز را بیاورم، رفت و برگشتم حدود یک ساعت طول کشید و وقتی به بیمارستان رسیدم، ایشان تمام کرده بودند و دکترها پارچه سفیدی را بر رویشان کشیده بودند. از اینکه نتوانسته بودم این خواسته استاد را بموقع اجابت کنم خیلی متاثر شدم، پارچه سفید را کنار زدم و پارچه متبرک شده را روی صورت علامه گذاشتم؛ در کمال تعجب مشاهد کردم که ایشان چشمانشان را باز کرده و لبخندی زدند و بعد برای ابد چشمانشان را بستند.»

ارادت ایشان نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین(ع) مثال‌زدنی بود. مکرر می‌فرمودند: «اگر ما امام حسین(ع) را نداشتیم، چه چیزی داشتیم که برای مردم بگوییم.» من وقتی کتاب «امام حسین(ع)، فرهنگ پیشرو انسانیت» ایشان را می‌خواندم، این واقعیت را درک کردم و دیدم که ایشان چگونه جریان کربلا و رسالت امام حسین را واکاوی و بیان کرده و بالاترین مفاهیم انسان‌شناسی را در خلال این بحث ارائه داده‌اند.

*** علی جعفری، ناگفته‌هایی از زندگی شارح بزرگ نهج‌البلاغه و فیلسوف شرق، علامه محمدتقی جعفری، مجله افق حوزه، ۳ آذرماه ۱۳۸۹ شماره ۲۹۰**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

پرداخت سود به سپرده‌ها

س) بانک‌ها به سپرده‌های مردم بین سه تا بیست درصد سود می‌دهند، آیا با توجه به سطح تورم، صحیح است این مبلغ اضافی را به‌عنوان عوض کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم در روز دریافت آن، نسبت به روز سپرده‌گذاری محاسبه کرده تا بدین‌وسیله از عنوان ربا خارج شود؟

ج) اگر آن مبلغ اضافی و سودی که بانک می‌دهد از درآمد حاصل از به‌کارگیری سپرده با وکالت از سپرده‌گذار در ضمن یکی از عقود شرعی صحیح باشد، ربا نیست بلکه سود معامله شرعی است و اشکال ندارد.

حکم وام مسکن

س) بانک مسکن جمهوری اسلامی وام‌هایی را برای خرید یا ساخت و یا تعمیر خانه به مردم می‌دهد و بعد از پایان خرید یا ساخت یا تعمیر خانه، وام را به‌صورت اقساط پس می‌گیرد، ولی مجموع قسط‌های دریافتی بیشتر از مبلغی است که به وام‌گیرنده داده شده است، آیا این مبلغ اضافی وجه شرعی دارد یا خیر؟

ج) پول‌هایی که بانک مسکن به منظور خرید یا ساخت خانه، می‌دهد، عنوان قرض ندارد بلکه آن را طبق یکی از عقود صحیح شرعی مانند شرکت یا جعاله یا اجاره و امثال آن پرداخت می‌کنند که اگر شرایط شرعی آن عقود را رعایت کنند، اشکالی در صحت آن نیست.

چاپ عکس‌های خانوادگی در عکاسی‌ها

س) ظهور و چاپ عکس‌های خانوادگی و یا عروسی که در آنها خانم‌ها با محارم خود و بدون حجاب کامل می‌باشند توسط عکاسی‌ها چه حکمی دارد؟

ج) ظاهر کردن و چاپ آن نزد عکاسی که آنها را نمی‌شناسد بدون قصد ریبه و لذت و خوف وقوع در فتنه و فساد اشکال ندارد.

نگاه به موهای زنان در فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی

س) آیا نگاه کردن به جلوی مو و پیشانی دختران و زنان در فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی جایز است؟

ج) نظر به موی سر و صورت و حتی بدن دختران و زنان در فیلم‌ها و برنامه‌های غیرمستقیم تلویزیونی حکم نظر به نامحرم را ندارد مگر آنکه از روی شهوت و یا موجب مفسده و یا خوف فتنه باشد.

پوشاندن زینت زنان از نامحرم

س) آن مقدار از زیور زنان که ظاهر است مثل حلقه نامزدی، آرایش معمولی ابروان و... آیا واجب است پوشانده شود؟

ج) هر آنچه عرفا زینت محسوب می‌شود باید از نگاه نامحرم پوشانیده شود.

نگرانی پیامبر(ص) از خطر سطحی‌نگری مردم

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از- طرفی- راجع به خطر نفاق شدیداً اظهار نگرانی می کند،از طرف دیگر راجع به اینکه امتش- فقر فکری داشته- و تجزیه و تحلیل نداشته باشند و در مسائل غور نکنند اظهار نگرانی می کند: «انّی لا اخافُ عَلی امّتِیَ الْفَقْرَ وَ لکِنْ اخافُ عَلَیْهِمْ سوءَ التّدْبیرِ»؛

چه جمله عالی و بزرگی! می فرمود که من بر امت خودم از ناحیه فقر اقتصادی بیم ندارم، فقر امت من را از پا در نمی آورد ولی از یک چیز دیگر بر امت خودم بیمناکم و آن کج فکری، بد فکری، بداندیشگی، جهل و نادانی- است.

اگر مردم مسلمان،روشن بینی، دوربینی، آینده بینی،عمق بینی و ژرف بینی را از دست بدهند و ظاهربین بشوند آن وقت است که برای اسلام خطر پیدا می شود.از دیدگاه پیامبر اکرم اگر امت اسلامی از غنای اندیشه برخوردار باشد ثروت نیز به دنبالش می آید.

اما ولو ثروتشان از دنیا بگذرد-مثل ثروت امروز کشورهای اسلامی که همین نفت بزرگ‌ترین منبع ثروت دنیاست و بیشترش در کشورهای اسلامی است- ولی فقر اندیشه داشته باشند فایده‌ای به حالشان ندارد. حالا اگر- هر- دو خطر با هم پیدا بشود یعنی از یک طرف منافقها، بی دین‌های متظاهر زیرک، متظاهرها و ریاکارها و مدلّس‌ها پیدا بشوند و از طرف دیگر مردم، جاهل و نادان باشند،آنها اینها را ابزار خودشان قرار می دهند.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری(پانزده گفتار)؛ ج۲۵؛ ص۱۹۱ و ص ۲۱۴-۲۱۳- با تلخیص و ویرایش جزئی**

اندر فواید شگفت انگیز صبر در زندگی

فرشته محیطی

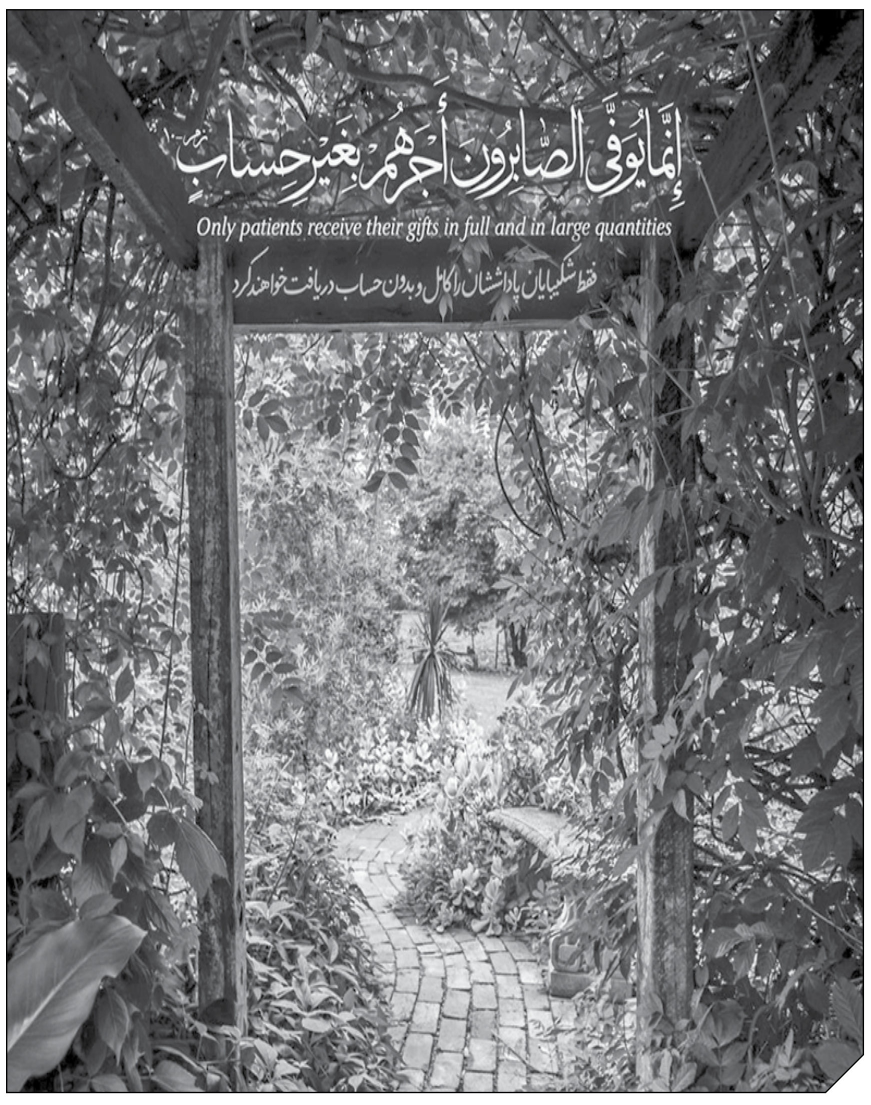
إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب
Only patients receive their gifts in full and in large quantities

صبر و شکیبایی که به معنای حبس و نگهداری، سر هر چیز و سنگ سخت و استوار (ترتیب العین ج ۲ ص ۹۶۶ و معجم مقاییس اللغه ج ۳ ص ۳۲۹) آمده است در کاربردهای قرآنی به معنای امساک و خودنگهداری در تنگناها و خویشتنداری به مقتضای حکم عقل و شریعت یا خودداری از چیزی که عقل و شریعت حکم به خویشتنداری در آن موارد می‌کند، می‌باشد.

از این رو همواره در بینش و نگرش قرآنی و اسلامی از صبر به عنوان فضیلتی برتر یاد شده است و آیات و روآیات بسیاری در ارزش آن وارد شده و مردمان را به برخورداری و ایجاد و تحقق آن در نفس دعوت و تشویق کرده‌اند.

آنچنان در فضیلت و ارزش آن در حوزه اخلاق فردی و هنجارهای اجتماعی و تربیتی سخن به میان آمده است که گاه برخی‌ها به ویژه صاحبان قدرت و حاکمیت باطل از آن برای دستیابی به اهداف سوء خود استفاده کرده و معنای خاصی را در اذهان مردم تقویت و جا انداخته‌اند تا بتوانند رفتارهای ستمگرانه و ضد هنجاری و مردمی خویش را توجیه و به اعمال خود مشروعیت دینی و سیاسی بخشند.

از این رو از مباحث پردامنه و پرمسئله‌ای است که در حوزه‌های مختلف اعتقادی و اجتماعی و بیشتر سیاسی مطرح می باشد.

برای شناخت صبر مفید و سازنده و صبر تحریف شده، بازخوانی آیات قرآن به عنوان منبع اصلی فضیلت بخشی به آن در حوزه‌های مختلف ضروری و بایسته است.

از این رو در این نوشتار با اشاره به کارکردهای صبر و آثار آن در زندگی دنیوی و اخروی تلاش می شود تا مفهوم درست و قرآنی آن تبیین شود.

***

نقش شکیبایی در زندگی

صبر در کاربردهای قرآن به معنای خویشتنداری فرد در مقابل امور زندگی است، به گونه‌ای که در برابر مشکلات و تنگناهای زندگی جزع و فزع نکند بلکه با تحمل و مهار نفس واکنش‌های عقلانی از خود نشان دهد.

بنابراین می‌توان گفت که صبر به معنای مقاومت در برابر احساسات و عواطف و طغیان آن در برابر کنش‌های درونی و بیرونی است.

به این معنا که شخص هنگامی که در برابر کنش‌های درونی و بیرونی و فعل و انفعالات خاصی قرار می‌گیرد افزون بر عقل وی احساسات و عواطفش متاثر شده و در برابر کنش‌های درونی و بیرونی شدید و خاصی، واکنش‌هایی هیجانی از خود بروز می‌دهد.

اگر شخص در این حالات، رفتار و واکنش‌های خویش را متاثر از عواطف و احساسات برانگیخته شده و هیجانی انجام دهد بی گمان ممکن است دچار رفتارهای سوء و حتی نابهنجار شود و بیرون ازدایره عقل، اخلاق و قانون و شریعت عمل کند. در حقیقت احساسات و عواطف هیجانی و برانگیخته شده است که رفتارهای وی را مدیریت می‌کند.

قرآن برای اینکه رفتارهای انسانی هرگز بیرون از دایره عقل و حکمت و مصلحت نباشد و در دایره احساسات وعواطف مدیریت و مهارشده انجام پذیرد، به صبرو شکیبایی به عنوان یک فضیلت اخلاقی و توان ویژه در شخص می‌نگرد و با بهره‌گیری از سازو کارها و عواملی که از آن به عوامل ایجادی صبر یاد می‌شود شخص را در مسیر کمالی قرار می‌دهد.

> **صبر موجب می‌شود تا انسان نه‌تنها خویشتندار شود و واکنش‌های احساسی و عاطفی تند و بیرون از دایره عقل و شرع انجام ندهد بلکه رفتارهای پسندیده‌ای داشته باشد که از نمونه‌های آن می‌توان به عفو و گذشت اشاره کرد.**

در حقیقت صبوری در آموزه‌های قرآنی به معنای مدیریت و کنترل احساسات و عواطف هیجانی و برانگیخته شده و هدایت آن به سمت و سوی درست و کمالی است. انسان هر گاه در برابر مشکلات و عوامل تحریکی خاصی قرار گیرد تحت تاثیر عواطف و احساسات برانگیخته شده، رفتارها و واکنش‌های تند و شدیدی بروز می دهد که دراغلب موارد شخص را گرفتار بحران‌ها و پیامدهای شدیدتر می‌کند و به اصطلاح از چاله به چاه می‌اندازد.

در این زمان است که صبر و شکیبایی تربیت شده به شخص کمک می کند تا مدیریت و مهار احساسات و عواطف را در اختیار گیرد و بر اساس اصول عقلانی و اخلاقی و قانونی و شرعی عمل کند و از بسیاری از بازتاب‌ها و پیامدهای عمل بر پایه عواطف و احساسات تشدید شده در امان بماند.

قرآن برای دستیابی به این حالت، روش‌ها و سازوکارهایی را بیان می‌کند که در حقیقت شیوه‌های تربیت نفس برای مدیریت عواطف و احساسات برانگیخته شده است.

از این عوامل در آیات به عنوان عوامل تربیتی یاد می‌شود که مهم‌ترین آنها را می‌توان در حوزه‌های بینشی و اعتقادی جست‌وجو کرد.

به این معنا که قرآن به شخص این فرصت و آموزش را می‌دهد که مدیریت هستی به دست خداوند حکیم و دانا و توانایی است و هیچ امری بیرون از حکومت و مالکیت او انجام نمی‌شود و اگر امری از سوی برخی‌ها ضد مسیر تکاملی او انجام و تحقق می‌یابد از باب آزمون و یا تقویت و یا فعلیت‌یابی توانایی‌های سرشته در وی است و اینکه هر کسی رفتاری از روی ستمگری و بی عدالتی انجام دهد در قیامت و معاد باید پاسخگوی آن باشد.

ایجاد چنین تفکر و نگرشی در آدمی عامل مهم در ایجاد صبر و شکیبایی در انسان است.

آثار صبوری

هدف این نوشتار بیان عوامل ایجادی صبر نیست بلکه به بررسی کارکردهای شکیبایی در زندگی می‌پردازد. اما آثار صبوری می‌تواند بسیار متعدد و متنوع باشد؛ زیرا بسیاری از مشکلات آدمی ناشی از رفتارهایی است که برخاسته از عواطف و احساسات تشدید شده و غیر کنترل شده می‌باشد.

این گونه است که شخص در پی حادثه‌ای و یا کنش‌های سخت و تند که احساسات و عواطف وی را بر می‌انگیزد عمل می‌کند و واکنش‌های شدیدتر و تندتری از خود بروز می‌دهد که نتیجه آن بیرون رفتن از حکم عقل و شریعت و قانون و اخلاق است. اما در پی واکنش‌هایی که شخص بروز می‌دهد دچار پشیمانی واندوه می‌شود و بر سر خویش می‌زند که چرا واکنش سریع و بیرون از دایره اخلاق و عقل و قانون و شریعت داشته است و دلی را شکسته و یا شخصی را کشته و یا آسیب‌های جدی به خود و یا دیگری وارد کرده است و ای کاش مهار نفس خویش را به دست می‌گرفت و این گونه بر اساس عواطف و احساسات عمل نمی‌کرد تا الان از آسیب‌های واکنش‌های نابخردانه خود در امان می‌ماند.

مدیریت و مهار نفس

می‌توان گفت نخستین و اصلی‌ترین اثری که صبر در زندگی انسان دارد مدیریت و مهار نفس و خویشتنداری در برابر ناملایمات زندگی و بروز واکنش‌ها بر اساس عقل و قانون و شریعت و اخلاق و خودداری از نشان دادن واکنش‌های تند و احساسی و بعضا پشیمان‌کننده است.

قرآن در آیه ۱۱۲ و ۱۱۵ سوره هود صبر را عاملی مهم برای دوری از طغیانگری می‌شمارد. به کارگیری واژه طغیان نشان می‌دهد که عمل و واکنشی که بیرون از دایره فضیلت اخلاقی و هنجاری صبر انجام می‌شود عمل و واکنشی بیرون از دایره قانون و شریعت است؛ زیرا طغیان به معنای بیرون رفتن از دایره قانون است.

بنابراین صبر شخص را از عمل‌های بیرون از محدوده‌های قانونی و شرعی باز می‌دارد و نمی‌گذارد در هنگام برخاستن عواطف و احساسات تحریک شده، عملی بیرون از دایره قانون انجام دهد و نسبت به قانون طغیان ورزد و رفتاری بیرون از دایره آن انجام دهد.

از آنجا که عوامل تحریک عواطف و احساسات می‌تواند به دو دسته عوامل تحریک خشم و یا شادی باشد می‌توان گفت که صبر دو گونه کارکرد متفاوت دارد.

به این معنا که شخص را از عمل‌ها و واکنش‌های احساسی بر خاسته از خشم و شادی حفظ می‌کند و نمی‌گذارد تا طغیان کرده و عملی ضد قانونی و هنجاری و اخلاقی از خود بروز دهد؛ اعمال و رفتارهایی که یا متاثر از خشم زیاد و یا شادی غیر کنترل شده است.

بسیار دیده شده است که شخص تحت تاثیر کنش‌هایی رفتارها و واکنش‌هایی را بروز می دهد که مردمان از آن به نابخردی یاد می کنند. این واکنش‌ها می تواند واکنش‌های مرتبط با خشم و یا شادی مفرط باشد. از این رو در شادی‌ها و خشم‌های افراطی از دایره قانون و هنجارها بیرون می رود.

قرآن موارد چندی را نشان می‌دهد که رفتار شخص در حوزه افراط در شادی بوده است و او به سبب نداشتن صبر نتوانسته است شادی‌های خود را مدیریت و کنترل کرده و از دایره قانون و شریعت گام فراتر نهاده و رفتارها و واکنش‌های نابهنجار و ضد اخلاقی و ضد قانونی را مرتکب شده است.

خداوند به مسئله سرمستی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید افرادی هستند که در هنگام بهره مندی از نعمت‌های الهی دچار سرمستی و شادی افراطی می‌شوند و به گناه می‌افتند. این رفتار و واکنش‌های سرمستانه، آنان را از دایره قانون و شریعت بیرون برده و از خداوند دور می سازد. از این رو از آنان می‌خواهد تا با بهره‌گیری از صبر و شکیبایی،خود را در مسیر تکاملی قرار دهند و نگذارند تا احساسات و عواطف بر آنان غلبه کرده و آنان را به بیراهه و گناه سوق دهد. (هود آیات ۱۰ و ۱۱)

> **صبوری در آموزه‌های قرآنی به معنای مدیریت و کنترل احساسات و عواطف هیجانی و برانگیخته شده و هدایت آن به سمت و سوی درست و کمالی است.**

> **افرادی که شکیبایی را در خود تقویت و یا ایجاد کرده‌اند و نفس خویش را به گونه‌ای تربیت نموده‌اند که مهار آن در دست عقل باشد، هنگامی که دچار نابسامانی مالی می‌شوند و یا نعمت‌هایی را که خداوند به آنان داده از دست می‌دهند، دچار یأس و نومیدی نمی‌شوند و با توجه به اینکه خداوند را مدیر هستی و جهان و مالک و قادر به هر کاری می‌دانند، در برابر مشکلات و از دست دادن نعمت‌ها شکیبایی می‌ورزند و دچار یأس و نومیدی نمی‌شوند.**

تصحیح رفتار و نشان دادن واکنش‌های مثبت

خداوند در آیات ۶۳ و ۷۵ سوره فرقان صبر را عامل مهمی در تصحیح رفتارها و انجام رفتارهای نیک و پسندیده و هنجاری برمی‌شمارد به ویژه زمانی که کنش‌هایی از سوی برخی از افراد نادان انجام شود و احساسات و عواطف شخص را برانگیزد.

شخص صابر در برابر این رفتارها با بهره‌گیری از صبر می‌تواند رفتارهای هنجاری انجام دهد و مهار نفس خویش را کنترل و مدیریت کند و نگذارد رفتاری غیر هنجاری انجام دهد بلکه حتی سعی می‌کند رفتاری هنجاری و پسندیده و در چارچوب‌های قانونی و شرعی انجام دهد.

قرآن در آیه ۶۳ سوره فرقان به مومنان پیشنهاد می دهد که از صبر بهره گیرند تا در صورتی که افراد جاهل ونابخرد رفتارهای زشت و زننده‌ای نسبت به آنان انجام دادند آنان با خویشتنداری بتوانند خود را از احساسات و عواطف برانگیخته شده حفظ کرده و رفتاری پسندیده انجام دهند و در واکنش به کنش‌های زشت به آنان سلام و درود فرستند.

در حقیقت صبر موجب می‌شود تا انسان نه تنها خویشتندار شود و واکنش‌های احساسی و عاطفی تند و بیرون از دایره عقل و شرع انجام ندهد بلکه رفتارهای پسندیده‌ای داشته باشد که از نمونه‌های آن می‌توان به عفو و گذشت اشاره کرد.

خداوند در آیه ۱۲۶ سوره نحل می‌فرماید که شخص اگر مواجه با رفتاری زشت و تند شد می‌تواند با حفظ اصول و مبانی عقلانی و به حکم عقل رفتاری مشابه انجام دهد و مقابله به مثل کند ولی اگر به جای مقابله به مثل صبر پیشه کند و از طرف در گذرد نه تنها پاداش اخروی دریافت می‌کند بلکه زمینه‌های بازگشت وی را به سوی خود فراهم می‌آورد.

از این رو از عفو و گذشت به خیر یاد می کند که سودهای بیشتر و مضاعف را در پی دارد.

به این معنا که واژه خیر بیانگر آن است که هم بهره دنیوی خواهد برد و هم از بهره‌های اخروی بهره‌مند خواهد شد. بهره دنیوی عمل، ایجاد زمینه‌های تصحیح رفتاری دیگری با احسان و نیکی و عفو و گذشت از عمل نابهنجارو زشت شخص است.

مصونیت از ناامیدی

از دیگر آثاری که قرآن برای شکیبایی بر می‌شمارد مصونیت یابی از یاس و نومیدی است. افرادی که شکیبایی را در خود تقویت و یا ایجاد کرده‌اند و نفس خویش را به گونه‌ای تربیت نموده‌اند که مهار آن در دست عقل باشد هنگامی که دچار نابسامانی مالی می‌شوند و یا نعمت‌هایی را که خداوند به آنان داده از دست می‌دهند دچار یاس و نومیدی نمی‌شوند و با توجه به اینکه خداوند را مدیر هستی و جهان و مالک و قادر به هر کاری می‌دانند در برابر مشکلات و از دست دادن نعمت‌ها شکیبایی می ورزند و دچار یاس و نومیدی نمی‌شوند. (هود آیات ۹ و ۱۱)

قرآن در آیه ۶۱ سوره بقره صبر را عاملی مهم در تامین خیر و مصلحت بشر می شمارد و می فرماید که انسان اگر بر نعمت‌های خداوند که به وی داده است صبر کند و سپاسگزار آن باشد نه تنها از آن نعمت به خوبی می تواند بهره گیرد بلکه زمینه‌های افزایش و رشد و بالندگی آن را نیز فراهم می آورد.

کارکردهای دیگر صبر

قرآن بیش از ۶۰ کارکرد و اثر برای صبر یاد کرده است که می توان به پیروزی (اعراف آیه ۱۳۷ و بقره آیه ۲۴۹ و ۲۵۱) اجتناب از قتل ناحق (فرقان آیه ۶۸ و ۷۵) استحکام پیوندهای اجتماعی (آل عمران آیه ۲۰۰) اطاعت از خدا و پیامبر(ص) (انفال آیه ۴۶) رسیدن به مقام استقامت (هود آیه ۱۱۲ و ۱۱۵) آسان شدن سختی‌ها(بقره آیه ۴۵ و ۱۵۳) اجتناب از اتکا به ستمگران (هود آیات ۱۱۳ و ۱۱۵) دوری از اسراف(فرقان آیات ۶۷ و ۷۵) دوری از باطل و امور بیهوده (همان) دوری از بخل (همان) امکان انفاق و بخشندگی (همان و نیز رعد آیه ۲۲) ایمنی از توطئه‌های دشمنان و نیرنگ‌های آنان با انگیختن احساسات و عواطف (آل عمران آیه ۱۲۰ و ۱۸۶) پاکدامنی (نساء آیه ۲۵) ثبات قدم در راه حق و اعمال نیک (بقره آیه ۲۵۰) درک صحیح از مسائل و اینکه زخارف دنیا و پاداش‌های آن تا چه‌اندازه ناچیز است(قصص آیات ۷۹ و ۸۰) حفظ اتحاد و انسجام اجتماعی (انفال آیه ۴۶) حفظ مرزها (آل عمران آیه ۲۰۰) رسیدن به مقام‌های بلندی چون مقام ابرار (بقره آیه ۱۷۷ و انسان آیه ۵ و ۱۲) مقام امامت و رهبری (سجده آیه ۲۳ و ۲۴) و مقام رضا (طه آیه ۱۳۰) مقام محسنان (آل عمران آیه ۱۴۶ و ۱۴۸ و هود آیه ۱۱۵ و یوسف آیه ۹۰) اینها نمونه‌های اندکی از آن همه فواید و آثار و کارکردهای دنیوی و اخروی صبر و خویشتنداری و کنترل نفس است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است. اگر انسان تنها به بخشی از آثار و کارکردها دنیوی و اخروی صبر باور داشته باشد باید این فضیلت را جست‌وجو کند و با بهره گیری از عوامل ایجادی و یا تقویت آن در خود زمینه‌های خویشتنداری و مهار عواطف و احساسات شدید انگیخته شده را فراهم سازد.

نقش فرزند نامبارک در انحراف پدر

زبیر بن عوام یکی از اصحاب پیامبر (ص) و از دوستان علی(ع) بود و با وجود اینکه داماد ابوبکر بود در جریانات بعد از سقیفه به حمایت از حضرت پرداخت. زبیر طعم ثروت را در دوران خلفای پیش از علی(ع) چشید اما در قدرت سهیم نبود، در دوره حکومت علی(ع) چشم به قدرت سیاسی داشت و بسیار مایل بود که در حکومت آن حضرت به امارت برگزیده شود. چشمداشت او بی‌ثمر بود و از طرفی پسرش عبدالله آن‌قدر بزرگ شده بود که او نیز داعیه قدرت طلبی داشت، زبیر با تحریک فرزندش، در خلافت طمع کرد و با یاری طلحه و سردمداری عایشه و با شعار انتقام خون عثمان علیه علی(ع) شوریدند.

عبدالله پدرش را به جنگ با امیرالمؤمنین(ع) واداشت ودر راه بی‌فرجام قدرت طلبی به کشتن داد. او وقتی دید پدرش زبیر بن عوام- تحت تأثیر دیدار و مذاکراتش با امیرالمؤمنین علی(ع)- قصد کناره‌گیری از جنگ دارد، با انواع حیله‌ها سعی کرد تا پدرش را منصرف کند.(۱) او پدر را سرزنش و به ترس متهم کرد و جواب شنید که تو چه فرزند نامبارکی هستی! (۲)

سبط ابن الجوزی درکتاب التذکرة آورده است که: علی(ع) وقتی در جمل با زبیر ملاقات کرد به ایشان فرمود: ما تو را در شمار بهترینان عبد المطلب برمی‌شمردیم تا اینکه پسر بدت بزرگ شد و میان ما تفرقه انداخت.(۳)

حدیث مشهور درباره شومی ابن زبیر این است که حضرت امیر(ع) فرموده‌اند:«ما زال الزّبیر رجُلاً منّا أهلَ البیتِ حتّی نشأ ابنه المشئومُ عبدالله»(۴)؛ زبیر همیشه از(خویشاوندان) ما اهل بیت بود تا زمانی که فرزند نامبارکش، عبدالله بزرگ شد.

این روایت به صورت‌های دیگر هم در منابع اهل سنت موجود است.

علّامه محدّث ابن عبد البر در الاستیعاب آورده‌اند که: «قال علی بن ابی طالب: ما زال الزبیر یعدّ منا اهل البیت حتی نشأ عبدالله».(۵)

ابن الاثیر الجزری در کتاب اسد الغابه آورده است که: «وکان علی رضی الله عنه یقول: مازال الزبیر منا اهل البیت حتی نشأ له عبدالله.»(۶)

*** گردآوری از کتاب: دانشنامه امیرالمومنین، محمد محمدی ری‌شهری، ج۴، ص ۵۲۷ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی (با اندک تلخیص و تصرف)**

---

۱. تاریخ طبری، ج۴، ص۵۰۹؛ مروج الذهب، ج۲، ۳۷۲؛ تاریخ اسلام ذهبی، ج۳، ص۴۹۰.
۲. تهذیب ابن عساکر، ج ۵، ۳۶۵؛ شرح نهج‌البلاغه، ج۲، ص۱۶۶؛ مروج الذهب، ج۲، ص۴۰۱.
۳. تذکرة الخواص، ص ۷۱.
۴. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۳؛ العقد الفرید، ج۳، ص۳۱۴؛ اُسدالغابه، ج۳، ص ۲۴۴، الرقم ۲۹۴۷.
۵. الاستیعاب، ج۳، ص ۹۰۶، رقم ۱۵۳۵.
۶. أسد الغابه، ج ۳، ص ۲۴۳، رقم ۲۹۴۷؛ شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۷۹.

چراغ راه

آزمایش با سنت مهلت دادن

قال الامام علی(ع): «کم من مستدرج بالاحسان الیه و مغرور بالستر علیه و مفتون بحسن القول فیه و ما ابتلی الله احداً بمثل الاملاء له».

امام علی(ع) فرمود: چه بسیارند کسانی که به وسیله نعمت، غافلگیر می‌شوند، و به خاطر پرده‌پوشی خدا بر گناهان خود مغرور می‌گردند، و بر اثر تعریف و تمجید از آنان فریب می‌خورند، و خداوند هیچ‌کس را به چیزی مانند «مهلت دادن» آزمایش نکرده است.(۱)

۱-نهج‌البلاغه- حکمت ۱۱۶

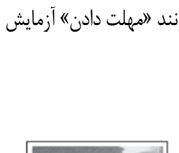

حکایت خوبان

مهلت به کسی که روزی خدا را می‌خورد و ادعای خدایی می‌کند!

در حدیثی امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند فرشته‌ای را (برای ماموریتی) به زمین فرستاد. مدتی در زمین ماند و سپس به آسمان عروج کرد. به او خطاب شد در زمین چه دیدی؟ گفت: شگفتی‌های فراوانی دیدم و از عجیب‌ترین چیزهایی که دیدم این بود که بنده‌ای از بندگانت را غرق در نعمت تو دیدم، رزق و روزی تو را می‌خورد و ادعای خدایی می‌کرد، من از جرأت و جسارت او و در برابر تو و از حلم تو در برابر او در شگفتی فرو رفتم! خداوند فرمود: آیا از حلم من تعجب کردی؟! من چهارصد سال است که به او مهلت دادم، کمترین ناراحتی جسمانی پیدا نکرد، و هرچه از دنیا می‌خواست به آن می‌رسید، و غذا و آب او کمترین تغییری پیدا نمی‌کرد. (اینها همه برای این بود تا او را بیازمایم و بندگان را هم به وسیله او آزمایش کنم).(۱)

۱- الخصال، شیخ صدوق، ج۱، ص۴۱

پرسش و پاسخ

سنت مهلت دادن به ظالمان

پرسش:

چرا خداوند منحرفان، ظالمان و ستمگران را سریعاً مورد عقوبت و مجازات خود قرار نمی‌دهد تا آنها کمتر در روی زمین فساد و خرابی به بار آورند و دیگران از شر آنها در امنیت و آسایش قرار گیرند؟

پاسخ:

یکی از سنت‌های الهی در این دنیا این است که به منحرفان، ظالمان، گنهکاران مهلت می‌دهد تا اینکه از انحراف و ظلم و گناهی که دارند، پشیمان شده و دست بردارند و توبه کنند و به راه راست و صراط مستقیم برگردند.

اقسام مجازات‌های دنیوی

به طور کلی هر گاه بنده‌ای در دنیا مرتکب گناهی شود، ازباب مکافات در دنیا، خداوند او را به یکی از دو شکل عقوبت می‌کند؛

۱- مجازات تأدیبی

اگر شخص مؤمن باشد و خداوند خیر او را بخواهد، این شخص را دچار گرفتاری می‌کند تا به خود آمده و از اشتباه خود، دست بردارد و توبه کند. چنان‌که امام صادق(ع) می‌فرماید: همانا خداوند هر گاه خیر بنده‌ای را بخواهد، به هنگامی که گناهی انجام می‌دهد، او را به نقمت (مشکل و گرفتاری) دچار می‌کند. تا به یاد توبه و طلب آمرزش بیفتد (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۲)

۲- مجازات استدراجی

چنانچه انسانی به جهت گناهان زیاد، توفیق عنایت و توجه خداوند را از دست بدهد، خداوند او را رها می‌سازد، نعمت خود را بر او ارزانی می‌دارد تا سرگرم دنیا شود و توبه و استغفار را فراموش کند و روز به روز در گناه و گمراهی خود بیشتر فرو رود. امام صادق(ع) می‌فرماید: هنگامی که خداوند شر بنده‌ای را (بر اثر سوء اعمالش) بخواهد. موقعی که گناهی می‌کند، نعمتی به او می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و به مسیر گناه ادامه دهد، همان طور که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: و آنها که آیات ما را تکذیب کردند،به تدریج از جایی که نمی‌دانند،گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. (همان)

سنت استدراج

استدراج که یکی از سنت‌های الهی در مقابله با بدکاران و کافران است،عبارت است از اینکه شخصی به تدریج و درجه به درجه و مرحله به مرحله گرفتار عقوبت الهی می‌شود، به این معنا که هر چقدر گناه، نافرمانی و کاربد می‌کند نعمت بیشتری می‌یابد، و خود نمی‌داند که این نعمت‌ها به منظور غوطه‌ور نمودن او در لذت و کامرانی است تا به تدریج استعداد هدایت را از دست بدهد، و زمانی فرا می‌رسد که تمام فرصت‌ها از او سلب شده و به تیرگی و قساوت قلب دچار می‌شود. به طور کلی واکنش افراد عاصی و بدکار از دو حال خارج نیست، یا این نعمت‌ها باعث تنبه و بیداری‌شان می‌شود که در این حال برنامه هدایت الهی عملی شده و یا اینکه بر غرور و عصیان آنها می‌افزاید که در این صورت مجازاتشان به هنگام رسیدن به آخرین مرحله بسیار دردناک است و مصداق این آیه شریفه است «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه و لهم عذاب عظیم». خداوند بر دلها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست. (بقره-۷) همان طور که در حدیثی از امام حسین(ع) وارد شده: استدراج در نعمت و غافلگیر کردن خداوند این است که به بنده‌اش نعمت فراوان می‌دهد،و توفیق شکرگزاری را از او سلب می‌کند (و ناگهان به زمین می‌خورد و همه چیز را از دست می‌دهد) (تحف العقول، ص ۲۴۶)

عرصه‌های ابتلا در سنت استدراج

امام علی(ع) در سخنی از اموری که خداوند بدان وسیله بندگانش را در چهار مورد می‌آزماید بیان فرموده است: ۱- نیکی و احسان با انواع نعمت‌ها نسبت به بنده‌اش ۲- پوشاندن نافرمانی و گناه او (ستارالعیوب) ۳- مدح و ستایش مردم نسبت به او ۴- به تاخیر انداختن زمان عقوبت و مهلت و فرصت دادن به او (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی، ج ۵، ص ۳۰۳) همچنین امام علی(ع) در خطبه ۹۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اگر خداوند ظالم و ستمگر را (چند روزی) مهلت می‌دهد، چنان نیست که فرصت مجازات او از دستش برود. او در کمینگاه بر سر راه ستمگر است و گلوی او را در دست دارد، و هر زمان بخواهد می‌فشارد، آن چنان که نتواند آب دهان خود را فرو برد» این همان کلام وحیانی قرآن است که خدای متعال می‌فرماید: آنها که کافر شدند، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است، ما به آنها مهلت می‌دهیم برای آنکه برگناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای است (آل عمران- ۱۷۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «ان ربک لبالمرصاد» به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ظالمان) است. (فجر - ۱۴)

گناهان زود کیفر

نکته کلیدی دیگر اینکه خداوند نسبت به همه گناهان و ظلم‌ها فرصت و مهلت نمی‌دهد. در روایات برخی از گناهان به عنوان «گناهان زودکیفر» معرفی شده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: سه گناه است که کیفرشان در همین دنیا به سرعت می‌رسد و به آخرت نمی‌افتد؛ ۱- آزردن پدر و مادر (عاق والدین) ۲- زورگویی و ستم به مردم ۳- ناسپاسی نسبت به خوبی‌های دیگران (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۰۳) نتیجه اینکه اساس دنیا سامانه امتحان و آزمایش و ابتلای انسان است. بشر به دنیا می‌آید تا با اختیار و اراده خود سرنوشت خود را بسازد و در این راه خدای متعال با اعطای آزادی و اختیار و مواهب خود به انسان فرصت می‌دهد تا در هر مسیری بتواند استعدادهای خود را به ظهور برساند. خداوند می‌فرماید: ما هر دو دسته: دنیاپرستان و آخرت‌طلبان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت از کسی منع نشده است (اسراء- ۲۰)

سلوک عارفانه

افراط و تفریط از حد و مرزهای الهی ظلم است!

هرکس از حدود و مرزهای الهی تعدی و تجاوز نماید، یعنی حریم نگاه ندارد، و مرتکب حرام شود، همانا ظالم است. خدا این افراد را ظالم می‌داند، و معیار ظلم را عدم پایبندی به حدود الهی می‌داند. پس اگر کسی از مرزهای الهی تجاوز کند و دچار افراط و تفریط شود، یا به تعبیری دیگر روی مرز حرکت نکرده و به یمین و یسار بزند، جزو کسانی قرار می‌گیرد که ظلم و ستم می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: و من یتعد حدود الله فاولئک هم الظالمون.»(بقره۲۹۹)(۱)

۱- ادب الهی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج۱، ص۱۰۱

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir